

سیاست‌های درستی در پیش گرفته شود و اصل بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیاده‌سازی واقعی اصل ۴۴ قرار گیرد، با اعتماد کامل به بخش خصوصی، می‌توان با راهکارهایی که خود بخش خصوصی پیشنهاد خواهد کرد به ارتقای تولید و بهبود روند رو به رشد صنعت امیدوار بود، اما واگذاری شرکت‌ها به دولت و نهادهای وابسته به آن، عملی شدن اهداف مورد نظر را در سیاست‌های پیش رو با مشکل مواجه خواهد کرد.

در نهایت باید گفت استقلال اقتصادی، مهمترین موضوع در کشور و به خصوص در صنایع نفت و گاز است و باید بیشترین بهره‌مندی از این منابع خدادادی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد رفاه برای عموم مردم صورت گیرد. لذا برای این منظور باید با دوری از تصمیماتی که گاهی غلط یا بی‌موقع اتخاذ می‌شوند، راه را برای توسعه این صنعت هموار کرد. ■

اقتصاد مخفی در ایران

پلی از تولید به دلالی

ارزیابی آقای غلامرضا سلامی، رییس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»



نیز می‌انجامد که این امر از دیگر تبعات منفی اقتصاد زیرزمینی و قاچاق است. موضوع اخیر را می‌توان همان نتیجه عدم شفافیت در اقتصاد و اثر آن بر فساد در جامعه و مدیریت کشور دانست که البته تنها به کالاهای قاچاق منحصر نیست و حتی در این فضا نمی‌توان به تولیدکننده و آمار تولیدی او اعتماد کرد و احتمال دستکاری در دفاتر در این شرایط منتفی نیست. در این شرایط پول‌های بادآورده‌ای که در این بین خلق می‌شوند انگیزه فعالیت تولیدی را به میزان زیادی از بین می‌برند، چرا که با نرخ بازدهی و سود پایین تولید در جامعه که بخشی از آن نیز به عنوان مالیات کسر می‌شود، در کنار سودآوری بالای واردات و البته بدون پرداخت عوارض، تولیدکننده ترجیح می‌دهد واسطه باشد تا تولیدگر. لذا اعتقاد نیروی تولیدگر جامعه نسبت به تولید و خلق ارزش افزوده سست می‌شود و انگیزه تلاش از بین می‌رود و سازوکارهای اقتصاد زیرزمینی جای آن را می‌گیرند. با کمی دقت می‌توان پی برد که بسیاری از کالاها به صورت قاچاق به کشور وارد می‌شوند و بسیاری از کالاها نیز به منظور فرار مالیاتی به نام اشخاص دیگری غیر از واردکننده اصلی وارد می‌گردند.

اقتصاد دولتی و اقتصاد زیرزمینی

حضور گسترده دولت در اقتصاد به تشدید اقتصاد زیرزمینی منجر می‌شود. به عنوان مثال، پیش از ایجاد بورس کالا و یا آزادسازی قیمت سیمان، محصولاتی نظیر فولاد، پتروشیمی و سیمان که اکثراً توسط شرکت‌های دولتی تولید می‌شد و باید به قیمت مصوب شورای اقتصاد به فروش می‌رسید، وقتی به دست مصرف‌کننده می‌رسید، به قیمت‌های بالا فروخته می‌شد که این به معنای وجود بالایی رانت و فساد در این بخش بود. شرکت‌های اقماری که در کنار فعالیت شرکت‌های دولتی فعالیت می‌کردند در جهت تأمین بخشی از درآمدهای اقتصاد زیرزمینی برای تعداد معدودی از خواص کشور به وجود می‌آمدند که این امر به مشکلات ناشی از اقتصاد زیرزمینی دامن می‌زد.

نکته قابل ذکر دیگر این است که ورود درآمدهای ناشی از اقتصاد زیرزمینی به بخش مولد جامعه، می‌تواند تا حدودی به جبران مافات بی‌انجامد، اما متأسفانه عادت به حضور در

اذعان داشت که در جریان تحریم‌های صورت گرفته، این روزها حضور شرکت‌های درجه سه و چهار را در زمینه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت کشور شاهدیم. شرکت‌های چینی و روسی که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، از اعتبار چندانی در دنیا برخوردار نیستند. حتی شرکت‌هایی نظیر استات‌اویل و توتال، جزو شرکت‌های درجه یک محسوب نشده و از شرکت‌های درجه دو اروپا محسوب می‌شوند. باید بپذیریم تداوم این روند در بلندمدت، قطعاً به آفت صنعت نفت کشور منجر خواهد شد. در این رابطه باید توجه داشته باشیم که کشورهایی نظیر چین جهت کسب تکنولوژی و دانش فنی روز دنیا از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند و این به معنای ارزش و اهمیتی است که این کشورها به کسب فعالیت‌های نوآورانه در دنیای پیشرفته قایلند. پیمانکاری و قراردادهای ما نیز به همین شکل نیازمند ارتباط با شرکت‌های معتبر دنیا و افزایش و ارتقای توان ایرانی است. قطعاً در صورتی که

در بازار معاملات کالا و خدمات به دلایلی همچون ضعف سیستم نظارتی و قانونی نوعی بازار پنهان که به آن بازار زیرزمینی گفته می‌شود به وجود می‌آید. علاوه بر مواد مخدر و کالای قاچاق، برخی معاملات که اختصاص به کشورهایی همچون ایران دارد معاملاتی هستند که به دلیل عدم تمکین خریدار و فروشنده در برابر قوانین کشور، به خصوص قوانین مالیاتی به صورت پنهانی انجام می‌شوند. به عبارت دیگر تلاش عده‌ای فعال اقتصادی در جهت دور زدن محدودیت‌های قانونی جامعه به بروز اقتصاد زیرزمینی می‌انجامد. در کشورهای توسعه یافته برخلاف کشورهای در حال توسعه از آنجا که امکان فرار مالیاتی کمتر وجود دارد و ابزارهای کنترل فرار مالیاتی دقیق و قوی عمل می‌کنند، این امر به کاهش بروز اقتصاد زیرزمینی می‌انجامد. در این بین برخی اقتصاددانان با تأکید بر نقش معاملات آزاد اقتصادی در ارتقای تولید و رشد اقتصادی، مالیات را به عنوان ابزاری در جهت محدود نمودن این معاملات امری نامناسب تلقی می‌کنند. البته این نگرش صرفاً اقتصادی بوده و مسایل اجتماعی را در بر نمی‌گیرد. هرچند این امر از نظر اقتصادی هم به طور مطلق صحیح نیست، چراکه بسیاری از معاملاتی که در فضای اقتصاد زیرزمینی صورت می‌گیرد، معمولاً شامل معاملات واسطه‌گری است و ارزش افزوده‌ای را برای توسعه و رشد اقتصادی کشور ایجاد نمی‌کند. لذا اگر در برخی نظرات اقتصادی - که بر آزادسازی کامل بازار تأکید می‌کند - آزادی بازار ملاحظه است، چرا که این افراد با هر محدودیتی در برقراری بازار، مخالف هستند، ولی این مخالفت نباید به عنوان موافقت آنها با پدیده بازار زیرزمینی تلقی شود.

نگاهی به کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت که به حذف موانع تعرفه‌ای در تجارت خود اقدام نموده‌اند، این نکته را متذکر می‌شود که کاهش بروز پدیده قاچاق در این کشورها نتیجه اتخاذ چنین تصمیمی است، اما کشورهایی نظیر ایران که حذف موانع گمرکی برای آنان عملی نیست، همواره با مشکلاتی نظیر پدیده قاچاق کالا مواجه خواهند بود. در نتیجه دو اتفاق نامبارک ایجاد می‌شود. اول این که این پدیده به ایجاد یک نوع رانت در نتیجه عدم پرداخت عوارض گمرکی در این کشورها می‌انجامد و دوم این که آمار و اطلاعات اقتصادی که مبنای تصمیم‌گیری مسئولان اقتصادی کشور است مخدوش می‌شوند و عرضه و تقاضای پنهان موجود در محاسبات وارد نمی‌شود. به علاوه این نوع معاملات دارای پیامدهای فسادآمیزی است، به این معنی که زیر پا گذاشتن قانون به نتایجی همچون ارتشا و فساد مأموران دولتی

توسعه یافته این نوع از چک‌ها با دو امضا - که یکی در شعبه بانک صادرکننده چک و دیگری در نزد فروشنده - قابلیت انجام معامله می‌یابد که این اقدام از بروز مبادلات غیرقانونی جلوگیری می‌کند، اما در کشور ما این اقدام هر چه بیشتر فساد کمک می‌کند، چرا که مبالغ بالای چک‌پول‌ها و چک‌های بانکی و حتی اوراق مشارکت بی‌نام که اسناد در وجه حامل هستند، قابلیت بالای نقل و انتقال پول‌های غیرقانونی را برای صاحبان این نوع پول‌ها افزایش می‌دهد، تا جایی که می‌توان میلیاردها تومان از این مبالغ را به راحتی در گاو صندوقی در منزل نگهداری کرد و این به معنای توسعه گردش پولی در اقتصاد زیرزمینی است. لذا کشور ما تاکنون درست در نقطه مقابل قوانین بین‌المللی برای مبارزه با پولشویی حرکت کرده است.

مسئله دیگر این که در سیستم‌های مالیاتی دنیا یکی از راهکارهای پی بردن به معاملات افراد، دسترسی به حساب‌های بانکی آنها است که این امر در کنار اصلاح مسایل مالیاتی، سرخ مبارزه با پولشویی افراد محسوب می‌شود، چرا که در این صورت می‌توان به راحتی به میزان معاملات و مبادلاتی که افراد انجام می‌دهند به صورتی نسبتاً شفاف پی برد. موضوع دیگر این که برعکس کشورهای پیشرفته در کشور ما اصولاً سیستمی به عنوان مالیات بر مجموع درآمد وجود ندارد. باید دانست که تنها در سایه جامعیت و فراگیری مالیات و حاکمیت این نوع نگاه مالیاتی است که هر فرد فعال در اقتصاد در پایان سال به سازمان مالیاتی، آن هم از طریق سامانه مالیات بر مجموع درآمد پاسخگو باشد که متأسفانه ما در کشورمان از این سیستم محروم هستیم. در نهایت باید گفت علیرغم آن که کار مبارزه با بازار زیرزمینی - که در برخی بخش‌ها حالت مافیایی به خود گرفته - امری ساده نیست، اما باید به این نکته توجه داشت که تنها راه ایجاد سلامت اقتصاد کشور، رهایی از دام اقتصاد زیرزمینی است. ■

فعالیت‌های زیرزمینی منجر به فرار از حضور در جامعه تولیدی می‌شود و این امر به معنای نابودی اقتصاد است. لذا در این شرایط مباحثی نظیر "کار، منشأ ثروت و مهمترین عامل اقتصاد" تنها به شعارهایی تبدیل می‌شوند که مصداق عملی ندارند.

بیش از ۵۰ درصد اقتصاد کشور ما به بخش خدمات تعلق دارد. مالیاتی را که کشور از این بخش دریافت می‌کند بسیار پایین‌تر از بخش تولید است. به علاوه، مالیات بر مشاغل در کشور ما پایین‌تر از مالیات بر دستمزدها است و این مبین آن است که اکثر کالاهایی که در بازار معامله می‌شوند، عملاً از مالیات معاف هستند. همچنین بسیاری از کالاهایی که به صورت قانونی در کشور ما تولید و یا وارد می‌شوند، از مرحله‌ای به بعد از نظارت‌های قانونی خارج شده و ردیابی این قبیل کالاها منتفی می‌شود. متأسفانه در کشور ما سازوکارهای این موضوع بسیار زیاد است و اصولاً قشر بازاری به دلیل فشارهایی که در حکومت‌ها از گذشته وجود داشته به صورت سنتی به پنهان‌سازی ثروت و درآمد واقعی خود مبادرت می‌کند.

تله‌های زیرزمینی

در شرایط جدید هم همچنان همان فرهنگ تداوم دارد و این امر دولت‌ها را وادار به اتخاذ راهکارهای پیش‌گیرانه کرده است، در حالی که ما پیش از این راهکار خاصی در این زمینه نداشتیم. در دنیا تلاش بر آن است که مبادلات بر مبنای اسکناس کاهش یابد و انجام معاملات بزرگ به صورت نقد، حساسیت بالایی را برای مقامات دولتی فراهم می‌کند، در صورتی که در کشور ما اینگونه نیست و کشور ما با معاملات الکترونیکی تا حدودی غریبه است. مثال دیگری که در این زمینه می‌توان بیان کرد اسناد بانکی در وجه حامل همچون چک‌پول یا چک مسافرتی است که تقلیدی نادرست از چک‌های مسافرتی غربی است. در کشورهای

ایران در مقابل ۵+۱

"آمریکا قبول کند"

سؤال این است که واقعاً ایران باید از چه چیزی دست بکشد و آمریکا چه به دست خواهد آورد؟

اورانیوم مذکور باید به جای اورانیومی که ایران تولید کرده است، به مصرف می‌رسد.

در همین رابطه پرسش‌هایی مطرح می‌شود که پاسخ به آنها ضروری است. اول این که در این معامله، ایران از چه چیز باید دست بردارد؟

پاسخ روشن است: بخشی از ذخیره اورانیوم با غنای ضعیف که اگر تا سطحی که برای تولید سلاح مناسب است فرآوری شود، می‌توان از آن برای ساخت دو سلاح هسته‌ای استفاده کرد. این خط قرمز ایران در غنی‌سازی اورانیوم است.

سؤال دیگر آن که ایران در مقابل چه چیزی به دست می‌آورد؟ سوخت برای رآکتوری که زیر نظر سازمان ملل کار کرده و به تولید ایزوتوپ‌های پزشکی برای درمان سرطان می‌پردازد، پاسخ این سوال است. گفته می‌شود سوخت فعلی این رآکتور در سال ۲۰۱۰ به پایان می‌رسد.

سؤال آخر این که در این بین آمریکا چه چیز به دست می‌آورد؟ در پاسخ این سؤال باید گفت اولین دستاورد آمریکا کاهش ذخایر اورانیوم ایران و محصل بعدی آن، تأکید بر این نکته است که اگر آمریکا می‌گوید نمی‌خواهد ایران را از دستیابی به قدرت هسته‌ای صلح‌آمیز منع کند، در گفته خود جدی است. به علاوه این معامله آخرین راه خروج آمریکا و ایران از تحریم‌های "فلج‌کننده" است؛ پیش از این که این

مقامات غربی پیشنهاد جدید هسته‌ای ایران را که در ابتدای سال میلادی مطرح شد، رد کرده و عنوان کردند که طرح پیشنهادی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران برای مبادله اورانیوم کفایت می‌کند. اما برخی کارشناسان از جمله پاتریک بیونکان، مفسر سیاسی محافظه‌کار، نویسنده و سیاستمدار آمریکایی، پیشنهاد جدید ایران را مطابق با اهداف آمریکا دانسته و نپذیرفتن آن را یک اشتباه خوانده است. متن زیر تحلیل بیونکان از پیشنهاد ایران است که از نظر خوانندگان ماهنامه «اقتصاد ایران» می‌گذرد.

در روز اول سال نو میلادی، وزیر امور خارجه ایران در اولتیماتومی به غرب اعلام کرد یکی از دو پیشنهاد ایران را مبنی بر خرید یا مبادله اورانیوم با غنای ضعیف بپذیرد، در غیر این صورت، ایران خودش تولید اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده را آغاز خواهد کرد.

کاخ سفید گرچه در پی حمله ناکام هوایی در دیترویت از سوی القاعده، اکنون وضعیت دفاعی به خود گرفته و نیاز دارد سرسختی از خود نشان دهد، اما رد پیشنهاد ایران در این شرایط یک اشتباه است.

این معامله در صورت توافق دو طرف، به نظر می‌رسد با هدف دوگانه آمریکا - یعنی این که ایران نه مجهز به سلاح هسته‌ای شود و نه جنگی با این کشور شکل گیرد - سازگاری داشته باشد. به علاوه، معامله مشروط ایران مخالف عقیده‌ای است که ابتدا کاخ سفید آن را در سر پروراند بود. کاخ سفید پیش از این پیشنهاد عرضه اورانیومی را کرده بود که نمی‌توان از آن برای ساخت بمب استفاده کرد و



اقتصاد ایران
اقتصاد ایران
اقتصاد ایران